

فهرست مطالب

سخنی با خواننده.....	۱۱
مقدمه.....	۱۵

گفتار اول: حیات علمی، سیاسی و اجتماعی ملاصدرا

۱. حیات علمی.....	۲۹
۲. استادان و شاگردان.....	۳۵
۳. صدرالمتألهین و سلسله صفوی.....	۳۹
۴. طبقه‌بندی آثار.....	۴۳
۴-۱. صدرالدین جوان: در پی آموزش.....	۴۳
۴-۲. صدرالدین میانسال: در پی تدوین فلسفه نوین.....	۴۶
۴-۳. صدرالدین کهن سال یا صدرالمتألهین: در پی جامع‌نگری.....	۵۰
جمع‌بندی.....	۵۵

گفتار دوم: مفهوم‌شناسی

۱. فلسفه سیاسی.....	۵۹
۲. حکمت متعالیه.....	۶۹
جمع‌بندی.....	۷۵

گفتار سوم: مبانی

۱. مبانی هستی‌شناسی.....	۷۹
۲. مبانی معرفت‌شناسی.....	۹۰
۲-۱. امکان و حدود شناخت.....	۹۲
۲-۲. مراتب و منابع شناخت.....	۹۴
۳. مبانی روش‌شناسی.....	۹۵
۴. مبانی انسان‌شناسی.....	۱۱۲
۴-۱. انواع انسان.....	۱۱۳
الف) انسان حسی.....	۱۱۳
ب) انسان خیالی.....	۱۱۴
ج) انسان حیوانی.....	۱۱۵
د) انسان حقیقی.....	۱۱۶
۴-۲. طبقه‌بندی دیگر انسان.....	۱۲۱
۴-۳. انسان در مسیر شدن.....	۱۲۳
جمع‌بندی.....	۱۲۵

گفتار چهارم: اختیار

۱. معنای اختیار در اندیشه صدرالمتألهین.....	۱۳۰
۲. نظریه‌ها در باب اختیار.....	۱۳۴
۲-۱. استقلال انسان.....	۱۳۵
۲-۲. وابستگی انسان.....	۱۳۶
۲-۳. استقلال انسان با واسطه خداوند.....	۱۳۹
۲-۴. مکتب راسخان در علم.....	۱۴۱
۳. انسان مختار.....	۱۴۴
۴. اختیار در اسفار اربعه.....	۱۴۹
۵. اختیار و امنیت.....	۱۵۱
جمع‌بندی.....	۱۵۳

گفتار پنجم: شرایط، اوصاف و ویژگی‌های رهبران

۱. حضور عرفان.....	۱۵۸
۲. ریاست مدینه فاضله.....	۱۶۱
۳. صفات دوازده‌گانه رییس اول.....	۱۶۷
۴. ترک لذت ریاست.....	۱۷۳
۵. ولایت حکیم عارف فقیه.....	۱۷۷
۶. حکیم الهی و عارف ربانی.....	۱۸۴
۷. غرض از خلقت: عالم ربانی.....	۱۸۷
۸. برتری علوم بر احوال و اعمال.....	۱۹۰
جمع‌بندی.....	۱۹۳

گفتار ششم: مقام نبی و فیلسوف

۱. اوصاف سه گانه نبی..... ۱۹۶
۲. نبی، خلیفه خدا..... ۲۰۵
۳. نبی، حکیمی از حکمای الهی..... ۲۰۷
۴. نصب الهی نبی..... ۲۱۱
۵. نحوه اکتساب علوم..... ۲۱۷
- جمع بندی..... ۲۲۰

گفتار هفتم: مدینه فاضله

۱. اجتماعات کامل و غیر کامل..... ۲۲۴
۲. ویژگی های مدینه فاضله..... ۲۳۰
۳. جامعه متعالی، سیاست متعالی..... ۲۳۲
- جمع بندی..... ۲۳۷

گفتار هشتم: رابطه شریعت و سیاست

۱. شریعت در نگاه ملاصدرا..... ۲۴۰
۲. سیاست در نگاه ملاصدرا..... ۲۴۲
۳. شریعت و سیاست به مثابه روح و جسد..... ۲۴۷
- ۳-۱. تفاوت در مبدأ یا خاستگاه..... ۲۴۹
- ۳-۲. تفاوت در غایت..... ۲۵۴
- ۳-۳. تفاوت در فعل..... ۲۵۸
- ۳-۴. تفاوت در انفعال و کارکرد..... ۲۶۰

۴. شریعت و سیاست بر اساس حرکت جوهری..... ۲۶۱
۵. نگاهی دیگر به نفس و بدن..... ۲۶۷
- جمع بندی..... ۲۷۱

گفتار نهم: محبت

۱. محبت خالق نسبت به خلق..... ۲۷۳
۲. محبت رسول الله با خلق الله..... ۲۷۶
۳. عبادات جمعی در نقش ایجادکننده محبت و همبستگی..... ۲۷۹
۴. نشانه های هشت گانه رهبران راستین..... ۲۸۰
- جمع بندی..... ۲۸۷

گفتار دهم: قدرت

۱. بحثی در مفهوم قدرت..... ۲۹۳
۲. قدرت، تمکن قادر..... ۳۰۱
۳. اوصاف و ارکان قدرت..... ۳۰۹
۴. ویژگی های اصحاب قدرت..... ۳۱۶
- معرفت و قدرت..... ۳۱۸
- جمع بندی..... ۳۲۶

گفتار یازدهم: عدالت

۱. عدالت، امری درونی..... ۳۳۱
۲. عدالت، تعادل بخش اجتماع..... ۳۳۵

۳. عدالت، شرط حاکم..... ۳۳۹

جمع‌بندی..... ۳۴۴

گفتار دوازدهم: سعادت

۱. امر معاش، مقدمه امر معاد..... ۳۴۶

۲. موانع سعادت..... ۳۴۸

۳. کدام سعادت؟..... ۳۵۲

جمع‌بندی..... ۳۵۵

خاتمه..... ۳۵۷

کتابنامه..... ۳۷۹

نمایه‌ها

آیات..... ۳۹۳

روایات..... ۳۹۶

اعلام..... ۳۹۷

اصطلاحات..... ۴۰۰

کتاب‌ها..... ۴۰۹

مکان‌ها..... ۴۱۱

سخنی با خواننده

پژوهش در حوزه اندیشه سیاسی از منظر دینی در راستای شناخت مبانی، سرشت و ساختار آن در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ضرورتی انکارناپذیر یافته است. ژرف‌نگری در مبانی دینی مشتمل بر عقل و آموزه‌های وحیانی و عرف جامعه اسلامی - ایرانی، شرطی اساسی در پویایی پژوهش‌ها برای دستیابی به الگوی مطلوب حکومت اسلامی در دوره جدید است؛ از این‌رو شناخت، بازخوانی، بازنگری و بومی‌سازی مسائل علم و اندیشه سیاسی، جایگاه ویژه‌ای در این پژوهش‌ها دارند.

بی‌تردید قصد اولیه انقلاب اسلامی هدفمندی و ارتقای کیفیت زندگی مؤمنان بر اساس نص اسلامی و نقد سکولاریسم بود. لازمه تحقق این هدف، تربیت اندیشمندان فراوان و انجام تحقیقات به‌روز، کارآمد و معتبر علمی بود که در این راستا با راهنمایی استادان و همکاری طلاب فارغ‌التحصیل علوم سیاسی، زمینه شکل‌گیری پژوهش‌کننده علوم و اندیشه سیاسی در سال ۱۳۷۳ فراهم شد. تجربه نو و موفق این پژوهشگران در معرفی بخشی از میراث سیاسی عالمان شیعی و تألیف آثاری مستقل درباره مسائل نوپیدای سیاسی، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های این مرکز

و ارتقای آن به پژوهشکده‌ای مستقل مهیا کرد.

این پژوهشکده در راستای ایفای رسالت خود، تولیدات پژوهشی فراوانی را به جامعه علمی ارائه کرده است؛ از آن جمله می‌توان به تألیف، تصنیف و ترجمه ده‌ها کتاب در حوزه اندیشه سیاسی اسلام اشاره کرد. چشم‌انداز آینده این پژوهشکده تبدیل شدن به مرجعی علمی در اندیشه سیاسی - دینی است تا بتواند با گردآوری مهم‌ترین تلاش‌ها و اندیشه‌ها به بسیاری از علاقه‌مندان این حوزه، خدمات علمی مؤثری ارائه کند.

کتاب حاضر با هدف ارائه نمای کلی و ابعاد اصلی فلسفه سیاسی ملاصدرا نگارش شده و بر آن است که به تبیین پاره‌ای از مؤلفه‌های فلسفی - سیاسی وی بپردازد. بیشتر پژوهش‌هایی که تاکنون انجام شده‌اند، واجد این انگیزه نبوده‌اند که بگویند ملاصدرا دارای فلسفه سیاسی است؛ درحالی‌که در تحقیق حاضر، ضمن اثبات شأنیت و ظرفیت فلسفه سیاسی ملاصدرا بر آن است که این نکته را طرح و برجسته سازد که ملاصدرا هم واجد فلسفه سیاسی است و هم این فلسفه را، بر قیاس فلسفه وی، می‌توان فلسفه سیاسی متعالیه نامگذاری کرد. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی و حوزوی، دیگر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم آقای دکتر شریف لکزایی، ناظر ارجمند آقای دکتر علیرضا صدرا، ارزیابان محترم آقایان حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر احمدرضا یزدانی مقدم و حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر بهرام دلیر و مدیر محترم امور پژوهشی آقای محمود فلاح و تمام همکاران و دست‌اندرکاران نشر پژوهشگاه که به آماده‌سازی و چاپ اثر اهتمام ورزیدند، تشکر و قدردانی کند؛ همچنین از

رئیس محترم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر نجف لکزایی که مساعدت‌های مؤثر ایشان نقشی اساسی در به سرانجام رسیدن پژوهش حاضر داشت، سپاسگزاری نماید. این پژوهشکده در راستای حیات و بالندگی خود از انتقادهای و پیشنهادهای علمی استادان، صاحب‌نظران و پژوهشگران محترم استقبال می‌کند. امید است این فعالیت‌ها موجبات رشد و پویایی اندیشه سیاسی اسلام را فراهم سازد.

دکتر منصور میراحمدی

مدیر پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

مقدمه

اگر پذیرفته شود در کشورمان در حوزه علوم انسانی با مشکلات و دشواری‌هایی مواجهیم و سال‌هاست که از نابسامانی در این حوزه در رنجیم، به‌طور آشکار در حوزه مطالعاتی علوم سیاسی، اندیشه سیاسی و فلسفه سیاسی این دشواری‌ها بیشتر و افزون‌تر است. به نظر می‌رسد پس از مواجهه با اندیشه‌های مدرن، به‌ویژه از دوره مشروطیت، سند دانش خود را که از سال‌ها قبل به دلایلی دچار کم‌رمقی و کم‌روقتی شده بود، گم کردیم و البته تلاش‌ها برای رفو و نوزایش آن نیز همواره با دشواری‌ها و مصائبی همراه بوده است. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به تعبیر فیلسوف و متأله معاصر، آیت‌الله جوادی آملی، اگرچه تعدادی از زندانیان سیاسی هم آزاد شدند، مهم‌تر از آن این بود که علوم اسلامی آزاد شدند و راه برای رشد و شکوفایی این دانش‌ها فراهم شد.^۱

در این میان به نظر می‌رسد در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز کمتر اقدام جدی و درخوری برای تأسیس، تولید و بسط

۱. «این انقلاب، علوم و معارف و حیانی را تا حدودی آزاد و زنده کرده است؛ البته تعدادی از زندانیان سیاسی را نیز آزاد نموده است» (شریف لک زایی؛ سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه؛ دفتر اول، ص ۱۲۵).

اندیشه و فلسفه سیاسی ولو اجمالی ویژه‌ای است، این پرسش قابل طرح خواهد بود که فلسفه سیاسی انقلاب اسلامی ایران که جهانی را متحیر و متحول کرد، چیست.^۱ طبیعتاً تبیین این فلسفه سیاسی به منظور بازکردن و حل و فصل مشکلات و خلأهایی است که پیشروی انقلاب اسلامی قابل طرح خواهد بود. بدین منظور نیازمندی به یک فلسفه سیاسی برخاسته از فرهنگ بومی و اسلامی و ایرانی که در انقلاب اسلامی تأثیراتی برجای گذاشته است، خودش را به وضوح نشان می‌دهد. در واقع ما نیازمند آنیم که برای حل مسائل نظری در حوزه سیاست، دست به دامن فلسفه سیاسی شویم و از این منظر با پی‌ریزی و ارائه و تبیین بنیادی برای سیاست، بتوانیم کاستی‌ها را جبران و راه را برای تحول، پیشرفت و تکامل جامعه فراهم سازیم.

در این زمینه بر این نظریم که به‌طور اجمالی این راه طی شده و انقلاب اسلامی معطوف و متأثر از حکمت متعالیه است و این حکمت به مثابه پشتوانه فلسفی این حرکت نقش ایفا کرده و در جهت استمرار آن نیز می‌تواند نقش‌آفرینی کند؛ بنابراین تبیین تفصیلی و آشکارسازی فلسفه سیاسی انقلاب اسلامی ضروری است و این کار مستلزم کاوش در سرمایه‌های فکری و فلسفی است که در اختیار داریم. برای این منظور سعی و تلاش ویژه‌ای باید شود تا با بازشناسی، بازخوانی و بازنگری انتقادی وضعیت موجود و بازسازی و ارائه فلسفه سیاسی متناسب زمانه بتوانیم به سمت وضعیتی

۱. نگارنده در مقاله‌ای با عنوان «حکمت متعالیه و انقلاب اسلامی» که در فصلنامه علمی - پژوهشی جستارهای سیاسی معاصر (شماره ۸، تابستان ۱۳۹۲) چاپ و منتشر شده است به این مبحث پرداخته است که پشتوانه فلسفی انقلاب اسلامی چیست.

دانش‌های بومی - اسلامی انجام گرفت و با اینکه به نظر می‌رسید برخی شرایط برای بسط و توانمندی علوم و دانش‌های اسلامی فراهم بود، طرح مشخصی برای این منظور پی گرفته نشد یا شاید هم باید زمان می‌گذشت تا به طرح‌هایی در این زمینه دست یابیم. با این وصف، پژوهش‌های پراکنده‌ای با سلاقی مختلف آغاز شد؛ اما این اقدامات کمتر توانست جایگاه درخوری در حوزه دانش‌های معمول جامعه و مراکز رسمی علمی کسب کند. این طرح‌های پراکنده به مرور به‌گونه‌ای سمت و سو یافتند و به مقطعی رسیدند که به نظر می‌رسد می‌توان با توجه به پشتوانه نیروی انسانی توانمند، با‌انگیزه و بااراده، از طرح‌های جدیدی که همراه با خلاقیت و ابتکار و مبتنی بر مبانی و منابع معرفتی اسلامی است سخن گفت.

چنین ایده‌ای به‌طور ضمنی بر این دیدگاه نیز صحنه می‌گذارد که نظریات و دیدگاه‌های غربی و غیراسلامی و غیربومی، مناسب جامعه اسلامی و ایرانی با پیشینه استوار فکری و فرهنگی چند هزار ساله نیستند و نمی‌توانند تمام مشکلات جامعه ما را حل کنند؛ از این رو ضروری است به سمتی حرکت شود که ضمن سیراب‌شدن از مبانی معرفتی و فلسفی اسلامی و بومی بتوان مسائل و دشواری‌های موجود را حل و فصل کرد. این نگاه به کنار نهادن تمامی اندوخته‌های دیگری و غربی را در سر نمی‌پروراند، بلکه در اندیشه تعاملی با دنیا و جهان غرب است و راه تحول و پیشرفت را هم در چنین تعاملی می‌بیند؛ اما تعاملی که ما نیز در آن حرفی برای ارائه داریم و به معنای واقعی تعامل است و می‌توانیم از پشتوانه غنی معرفتی خویش به سمت و سوی تعالی حرکت کنیم.

اگر این مفروض پذیرفته شود که هر تمدن و حتی هر نظام سیاسی، مولود

مطلوب حرکت کنیم. این مهم جز با بررسی مکاتب فلسفی اسلامی همانند حکمت مشاء، حکمت اشراق و حکمت متعالیه ممکن نیست. در این بررسی باید نقاط قوت و ضعف هر یک به دقت شناسایی شوند و به منظور تأسیس و توانمندسازی اساسی جدید در حکمت و فلسفه سیاسی مورد توجه و بهره‌برداری قرار گیرد.

نکته مهم دیگر این است که بومی‌شدن و اسلامی‌شدن علوم به‌نوعی مبتنی بر این مسئله است که دانش‌های رایج در جامعه ما دارای پشتوانه و بنیادی فلسفی باشند. برای این منظور نمی‌توان بنیاد اندیشه غربی را برای حل و فصل مسائل جامعه اسلامی مان تدارک ببینیم. این مسئله نیازمند آن است که این پشتوانه برآمده از دل فرهنگ و آموزه‌های پذیرفته جامعه‌ای باشد که ضمن برقراری ارتباط با آن بتواند مسائل و مشکلات آن را حل کند؛ از این رو ما نیازمند توجه به داشته‌های فکری و فلسفی بومی خود هستیم تا بتوانیم به بی‌ریزی و تبیین و ارائه چنین بنیادی دست بیابیم.

به نظر می‌رسد ارائه چنین نگرشی می‌تواند در سه بعد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی (جهانی) مؤثر و مفید باشد. اهمیت بعد داخلی در این است که پاسخی منطقی به خواست ملتی است که در سال ۱۳۵۷ دست به انقلابی عظیم و گسترده زد؛ در نتیجه باید جان و ضمیرش با حکمت و سیاستی که برخاسته از آموزه‌هایی اصیل است آمیخته شود تا بتواند فردای روشنی را پیش چشم خویش تصویر و ترسیم کند؛ بنابراین انتظار این است که حکمت و فلسفه سیاسی اسلامی تبیین و ارائه شود. از سویی با توجه به الهام‌بخشی انقلاب اسلامی در جهان اسلام، ارائه حکمت و فلسفه سیاسی اسلامی، خواسته و نیازی اسلامی در سطح منطقه و جهان اسلام به شمار می‌آید؛ زیرا

جنبش‌های مردمی امروزه در سطح منطقه مطالباتی را مطرح کرده‌اند که جز با طرح و بسط سیاستی اصیل و راستین نمی‌توان به آنان کمک کرد. افزون بر این، با توجه به سیاست بیمارگونه بین‌المللی شایسته است پرداختن فلسفی از سیاستی که مورد نظر انقلاب اسلامی است ارائه شود تا ضمن اصلاح رویکردها و تلقی‌ها از سیاست، مسیر حرکت به سمت تعالی و پیشرفت، به‌گونه روشنی پیموده شود و ملت‌های آزادی‌خواه به سمت و سویی حرکت کنند که در آن صلاح و رستگاری ممکن باشد.

بدیهی است نمی‌توان در این میان از تقویت دانش و اندیشه‌ورزی در حوزه حکمت و فلسفه سیاسی اسلامی نیز غفلت کرد. با توجه به اینکه جامعه ما جامعه‌ای مسلمان با داعیه‌های اسلامی و انسانی است، نیازمند آنیم که به‌طور مداوم برای تولید دانش متناسب با زمان، برنامه‌ریزی و تلاش کنیم تا بتوانیم مسیر جامعه را همواره به راهی روشن رهنمون شویم و مطالبات خویش را جامه عمل بپوشانیم؛ ضمن اینکه نباید در چنین مسیری ادعاهای منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی را از یاد ببریم. به هر حال این مسئله هم از نظر داخلی و هم از نظر منطقه‌ای و جهانی قابل تحلیل و ظرفیت‌سنجی است. با فرض نیازمندی به تبیین و ارائه چنین حکمت و فلسفه‌ای است که تحقیق حاضر پا گرفته است تا بتواند به‌نوعی به طرح مسائل و نیازهای انسان معاصر در حوزه فلسفه سیاسی بپردازد و راه را برای توانمندسازی فلسفه سیاسی اسلامی فراهم کند. برای این منظور، باید توجه کرد در حوزه فلسفه اسلامی، فلاسفه انگشت‌شماری دارای برجستگی، صاحب نظریه و مؤسس مکتب‌اند. این فیلسوفان فارابی، ابن‌سینا، سهروردی، میرداماد و ملاصدرا هستند. دیگر فیلسوفان به‌نوعی تابع، پیرو، شارح و مدرس مکاتب

معنا و هم به ماده توجه می‌شود و نیازهای معنوی و دنیوی و اخروی انسان یکجا لحاظ می‌شود؛ از این‌رو با توجه به اینکه در حکمت متعالیه شریعت، روح سیاست شمرده می‌شود، به دنبال پالایش و تعالی سیاست حرکت می‌کند. طبیعتاً با چنین تلقی و دیدگاهی، سیاست، دینی، معنوی و اخلاقی می‌شود و فلسفه متعالیه نیز در پی دینی، اخلاقی و معنوی‌ساختن سیاست است.

علاوه بر آنچه گفته شد فلسفه متعالیه با توجه به قوت‌ها و رونقی که داشت، پای ثابت دروس فلسفه در حوزه‌های علمیه شد، اما بخش بازپسین حکمت متعالیه برای مثال در برخی از آثار مانند الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه و المبدأ و المعاد (در سفر چهارم با نگاه سیاسی و فلسفه سیاسی)، به دلیل اینکه سیاست متعالیه مبتلابه جامعه نبود، کمتر مطرح شد و مورد توجه قرار گرفت و این انقلاب اسلامی است که چنین خواست اصیلی را طرح و برجسته ساخته است. با چنین نگاهی، تعبیر آزادی علوم و معارف و حیانی که استاد متأله حکمت متعالیه معاصر، آیت‌الله جوادی آملی به کار گرفته، رنگ و بوی دیگری می‌یابد.

درواقع می‌توان گفت مشهد پنجم کتاب الشواهد الربوبیه نتیجه همه مباحث مشهدهای قبل است و چهار مشهد قبل به مثابه مقدمه برای بحث اصلی‌اند.^۱ همچنین می‌توان یادآوری کرد سه سفر نخست از اسفار اربعه جنبه

۱. آیت‌الله جوادی آملی بر این نظر است که «بحث‌های صدرالمتألهین در کتاب الشواهد الربوبیه اهمیت بسیار زیادی دارد. کسانی که می‌خواهند درباره سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه مطالعه و تحقیق کنند و کاری عالمانه انجام دهند... باید به‌طور خاص مطالب پنجاه صفحه این کتاب را سطر به سطر مباحثه کنند؛ چراکه این بخش، مطالب بسیار بلند و مهمی را در بر دارد» ←

فلسفه اسلامی مشاء، اشراق سهروردی و متعالیه صدرایی شمرده می‌شوند و فاقد مکتبی جدید در فلسفه اسلامی‌اند. از سویی می‌توان گفت ملاصدرا در دوره خود برآیند و برآمد همه فیلسوفان گذشته است. وی با درک و فهم فلسفه گذشته، به‌ویژه فلسفه مشاء و اشراق که فلسفه‌های رایج دوران وی بودند و در تعامل با استاد خویش، میرداماد، به تأسیس و نظام و قوام‌بخشی فلسفه متعالیه اقدام کرد. گرچه این فلسفه در دوره خود ملاصدرا کمتر توانست جایگاهی بیابد، یک قرن پس از ملاصدرا توجه گسترده‌ای به آن شد و رونق یافت. فلسفه متعالیه در دوره‌های بعدی از رونق فلسفه مشاء که مهم‌ترین فلسفه اسلامی رایج بود کاست؛ اگرچه اهمیت آن به‌ویژه برای ورود به حکمت متعالیه دوچندان شد.

حضور حکمت متعالیه به صورت یک دستگاه فلسفی در جامعه علمی و پذیرش آن نزد جامعه علمی نمی‌تواند سببی جز قوت و غنای فلسفه متعالیه داشته باشد. درواقع با توجه به اینکه به نظر می‌رسد برخی از فلسفه‌ها، با توجه به دیدگاهشان درباره رابطه نفس و بدن،^۱ تا حدی مبنای جدایی دین از سیاست را پی‌ریزی می‌کنند، فلسفه متعالیه با تأکید بر اینکه شریعت، روح سیاست است از جسارت بیشتری در پرداختن به مسئله سیاست دارد که به نظر می‌رسد با آموزه‌های اسلامی شیعی نیز سازگاری بیشتری دارد. درواقع با توجه به بیماری سیاست در جهان معاصر، حکمت متعالیه بر این ایده پافشاری می‌کند که درمان سیاست همانا چنگ‌زدن به ریسمان محکم دیانت و شریعت است؛ زیرا در این حکمت بسان دیگر حکمت‌های اسلامی، هم به

۱. در گفتار رابطه شریعت و سیاست به این بحث پرداخته شده و آمده است که یکی از قوت‌های حکمت متعالیه، ترسیم رابطه منسجم میان نفس و بدن و روح و جسم است.

مقدماتی برای سفر چهارم را دارند که در فقدان سه سفر پیشین، سفر چهارم عقیم خواهد ماند.

به هر حال انقلاب اسلامی زمینه، مطالبه و نیاز و در نتیجه فرصتی را فراهم ساخت تا این اندیشه دوباره بازخوانی و از منظر متفاوتی به آن پرداخته شود و حل مسائل و مشکلات فکری و نظری جامعه عمدتاً با نگاه به آثار و متون فلسفی بومی و اسلامی مورد توجه قرار گیرد. در این میان با توجه به نیازمندی جامعه و انقلاب اسلامی به ارائه و تبیین فلسفه سیاسی، به مباحث مختلفی توجه شد که مهم‌ترین آنها بازشناسی، بازخوانی و بازنگری آثار و آرای صدرالمتألهین و دیگر حکمای حکمت متعالیه بود که باید از منظر اندیشه سیاسی و فلسفه سیاسی بررسی شوند.

با توجه به آنچه گذشت، موضوع اصلی پژوهش حاضر ارائه درآمدی بر فلسفه سیاسی صدرالمتألهین است. این مسئله از آن رو اهمیت دارد که به‌رغم همه کاستی‌ها و خلأها، حکمت و فلسفه متعالیه در زمانه ما فلسفه رایج و جاری در مراکز علمی است. این موضوع با توجه به نپرداختن به ابعاد سیاسی و اجتماعی این فلسفه قدری اعجاب‌آور است؛ از این رو شایسته است در تحقیقی مستقل به این موضوع پرداخته شود که مؤسس حکمت متعالیه چنان‌که دستگامی فلسفی و نظری سامان داده است، دستگام فلسفی و نظری

→

(شریف لک زایی؛ سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه؛ دفتر اول، ص ۱۳۷). همچنین ایشان بر این نظر است که ملاصدرا بر آن نبوده است تا کشکول بنویسد و در انتهای آن هم بحثی در باب سیاست بیاورد. (رک: همان، ص ۹۵-۹۶).

او واجد ظرفیت‌های سیاسی و اجتماعی و بلکه فلسفه سیاسی خاصی است که می‌توان از آن با عنوان «فلسفه سیاسی متعالیه» یاد کرد.

گفتنی است در توجه به پیشینه مبحث فلسفه سیاسی ملاصدرا تاکنون کار مبسوط و مستقلاً انجام نشده است که بتواند وجوه و ابعاد مختلف مباحث فلسفی سیاسی وی را پوشش دهد و ابعاد مختلف فلسفه سیاسی صدرالمتألهین را مطرح و معرفی کند. اگرچه کوشش‌هایی در این زمینه انجام شده، از جمله اینکه تاکنون دو نوشته به‌طور خاص با عنوان اندیشه سیاسی صدرالمتألهین^۱ و اندیشه سیاسی ملاصدرا^۲ نگارش و منتشر شده که به بخشی از مباحث سیاسی وی اشاره‌های خوبی کرده‌اند، اما این آثار مباحث ملاصدرا را در قالب اندیشه سیاسی ارائه کرده‌اند. تحقیق نجف لک‌زایی در زمینه اندیشه سیاسی صدرالمتألهین که از فضل تقدم و از عمق و غنای خوبی برخوردار است، تدوین اندیشه سیاسی ملاصدرا را به‌نوعی مقدمه‌ای برای ورود به فلسفه سیاسی وی بر شمرده است.

کتاب درآمدی بر فلسفه سیاسی صدرالمتألهین^۳ نیز در پی آن است که به مباحث ملاصدرا در جایگاه یک فیلسوف سیاسی توجه کند و برخی زوایای فلسفه سیاسی وی را واکاود؛ البته متن منتشر شده، به بسیاری از مباحثی که

۱. نجف لک‌زایی؛ اندیشه سیاسی صدرالمتألهین؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱ ش.

۲. عقیل یوسفی؛ اندیشه سیاسی ملاصدرا؛ قم: کشف الغطاء، ۱۳۸۳ ش.

۳. سیدخلیل‌الرحمان طوسی، درآمدی بر فلسفه سیاسی صدرالمتألهین؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳ ش. پیش از این نیز کتاب درآمدی بر اخلاق فلسفی از منظر حکمت متعالیه را پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (قم، ۱۳۹۲) به عنوان پیش درآمدی بر این اثر چاپ و منتشر کرده است.

در فلسفه سیاسی از آنها بحث می‌شود توجه نکرده و همان‌طور که از عنوان آن برمی‌آید، درآمدی بر این موضوع است که در طی چهار فصل به بحث پرداخته است.

همچنین مجموعه مقالات همایش سیاست مدن در حکمت متعالیه با عنوان فلسفه سیاسی در حکمت ملاصدرا^۱ را بنیاد حکمت اسلامی صدرا چاپ و منتشر کرده است که اگر چه گرفتار پراکندگی مقالات و نبود انسجام لازم میان آنها و تکرار برخی از مباحث است، در نشان دادن ابعاد مختلف فلسفه سیاسی ملاصدرا گام‌های نخستین خوبی برداشته است؛ البته یادآوری این نکته شایسته است که در بیشتر مباحث، کمتر دانش‌آموختگان علوم سیاسی در گرایش اندیشه سیاسی و فلسفه سیاسی، در نگارش مقالات همکاری کرده‌اند. اگر چه توجه به این بحث و نیز پرداختن به این موضوع را می‌توان از محاسن این اثر به شمار آورد.

در زمینه مورد نظر کارهای دیگری که به فلسفه سیاسی ملاصدرا نزدیک است با مدیریت نگارنده انجام شده است که می‌توان برای نمونه از مجموعه سه‌جلدی نشست‌ها و گفتگوهای سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه^۲ و مجموعه چهارجلدی مقالات سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه^۳ یاد

۱. سیدمحمد خامنه‌ای (زیر نظر)؛ فلسفه سیاسی در حکمت ملاصدرا (مجموعه مقالات منتخب نهمین همایش داخلی حکیم ملاصدرا، اول خرداد ۱۳۸۵)؛ تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۶ش.

۲. شریف لک زایی؛ سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه (نشست‌ها و گفتگوها)؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، دفتر اول ۱۳۸۷ش، دفتر دوم: ۱۳۹۰ش و دفتر سوم: ۱۳۹۱ش.

۳. همو، سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه، (مجموعه مقالات)؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ج: ۱؛ ۱۳۸۸ش، ج: ۲؛ ۱۳۸۹ش، ج: ۳ و ۴؛ ۱۳۹۰ش.

کرد که در قالب همایشی با همین عنوان به این بحث پرداخته است.^۱ این مجموعه به همراه تحقیق‌های مستقل دیگری^۲ که با مدیریت این‌جانب در پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به انجام رسیده، به‌رغم تنوع و غنای بالای مطالب و مقالات، تا رسیدن به مطلوب فاصله دارد، ضمن اینکه بحث اصلی در مجموعه کارهای مذکور، حکمت متعالیه و نه صرفاً آرای صدرالمتألهین بوده است.

از این‌رو افزون بر موارد برشمرده شده، تا کنون بحث مستقلی در زمینه فلسفه سیاسی ملاصدرا به فارسی چاپ و منتشر نشده است.^۳ آنچه تاکنون در این زمینه مورد توجه بوده پژوهش‌هایی است که در زمینه اندیشه سیاسی ملاصدرا نگارش یافته و منتشر شده است. پژوهش حاضر با توجه به موضوعی که مقدمه‌ای مبسوط برای تبیین منسجم فلسفه سیاسی ملاصدراست، در برخی جهات از این نوشته‌ها فاصله می‌گیرد. اگر اندیشه سیاسی را به‌نوعی دارای تعریفی عام تلقی کنیم، فلسفه سیاسی به همراه فقه

۱. این همایش در سوم بهمن ۱۳۸۷ با اشراف و سخنرانی آیت‌الله جوادی آملی در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در قم برگزار شد.

۲. علیرضا صدرا؛ مفهوم‌شناسی حکمت متعالی سیاسی؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹ش؛ ابوالحسن حسینی؛ مقدمه‌ای بر حکمت سیاسی متعالیه؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹ش؛ احمدرضا یزدانی مقدم؛ انسان‌شناسی در فلسفه سیاسی؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱ش؛ سیدخلیل‌الرحمان طوسی؛ اخلاق فلسفی در حکمت متعالیه؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲ش؛ همو، درآمدی بر فلسفه سیاسی صدرالمتألهین؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳ش.

۳. گفتنی است در زمینه فلسفه سیاسی صدرالمتألهین افزون بر کتاب درآمدی بر فلسفه سیاسی صدرالمتألهین که پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی چاپ و منتشر کرده، تا کنون یک اثر به زبان انگلیسی از سیدخلیل‌الرحمن طوسی به نشر راتلج چاپ و منتشر شده است.

سیاسی و کلام سیاسی در ذیل آن قرار می‌گیرند؛ بنابراین نوشته حاضر بر آن است پژوهشی مستقل درباره فلسفه سیاسی ملاصدرا ارائه کند و در تبیین این فلسفه گامی به جلو بردارد.

نوآوری پژوهش در این بخش خودش را بیشتر نمایان می‌سازد که تلاش دارد نمای کلی و ابعاد اصلی فلسفه سیاسی ملاصدرا را بازخوانی کند و به تبیین برخی مباحث فلسفی سیاسی وی بپردازد که در دیگر آثار به آنها توجه نشده است. در واقع شاید بتوان گفت کارهایی که تا کنون انجام شده، به این انگیزه نبوده است که بگوید ملاصدرا واجد فلسفه سیاسی است؛ در حالی که تحقیق حاضر، ضمن اثبات شأنیّت و ظرفیت فلسفه سیاسی ملاصدرا بر آن است این نکته را مطرح و برجسته سازد که ملاصدرا هم واجد فلسفه سیاسی است و هم این فلسفه را، بر قیاس فلسفه وی، می‌توان فلسفه سیاسی متعالیه نامگذاری کرد. این فلسفه در واقع نقطه تجمیع و تعالی همه مکاتب و مشارب حکمی، کلامی، عرفانی و اخلاقی پیشین و برآمد همه آنها است.^۱ گفتنی است اثر حاضر در یک مقدمه، دوازده گفتار و یک نتیجه‌گیری سامان یافته است.

نگارش نخستین طرح پژوهشی حاضر به صورت رساله دکتری علوم سیاسی در گرایش اندیشه سیاسی اسلام با عنوان نگرش‌های فلسفی سیاسی در آرای صدرالمتألهین در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران انجام و در مهر ماه سال ۱۳۹۱ دفاع شد. رساله مذکور در جشنواره کتاب سال حوزه در سال ۱۳۹۲ حائز رتبه اول شد. متن پیش روی، تکمیل و

۱. رک: علیرضا صدرا: مفهوم‌شناسی حکمت متعالی سیاسی.

بسط یافته مباحثی است که در آن رساله به آنها توجه شده است. در اثر حاضر به دلیل تغییر عنوان، مباحث جدید زیادی افزوده شده و برخی فصل‌های رساله حذف یا با تغییراتی اساسی مواجه و مباحث در سازماندهی تازه‌ای ارائه شده است. این جانب با سیاستگزاری از درگاه خداوند متعال برای به سرانجام رسیدن این نوشته، بر خود فرض می‌دانم از همه استادان و صاحب‌نظرانی که در تمام مراحل پژوهش حاضر با ارائه راهنمایی و مشاوره با این جانب همراهی کردند سیاستگزاری کنم. به ویژه آقایان محمدعلی فتح‌الهی، مرتضی واعظ جوادی، داوود مهدوی‌زادگان، علیرضا صدرا، منصور میراحمدی، نجف لکزایی، سیدعلی طاهری خرم‌آبادی، احمدرضا یزدانی مقدم و همکارانم در گروه فلسفه سیاسی پژوهشگاه علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر احمد احمدی و آقای رضا لکزایی، با مطالعه کامل اثر، نظرها و مطالب سودمندی پیشنهاد کردند که از آنان نیز سپاسگزارم. همسر، دکتر نجمه کیخا، با ارائه مشاوره در مباحث به این جانب کمک کرد که از ایشان نیز سپاسگزارم. اثر حاضر را به پدرم که عمرش دراز باد و مادرم که روحش شاد باد، تقدیم می‌کنم.

شریف لکزایی